۵۰۰۰ تومان

ایران ورزشی

تماس مستقیم با تحریریه ایران ورزشی: ۸۴۷۱۱۱۷۵ (۰۲۱)

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و ششم ■ پنجشنبه ۲ تیر ۱۴۰۱ ■ 23 - June 2022 ■ ۲۳ ذیقعده ۱۴۴۳ ■ شماره ۷۰۶۴

2411200-07579-0003 6 260757 900037

امیر عابدینی: فیفا قانون سن و مدرک را برداشت

به اعضای مجمع گفتم سراغ دادگان بروید

۶

ساپینتو: از من فقط ۴ تا قهرمانی بخواهید

۶

عکس: نعیم احمدی

آجورلو: از رفتن مجیدی خیلی اذیت شدم

تماس استقلالی ها با یامگا؛ برگرد

۶

هیچ کس به جدایی سید حسین راضی نیست؛ حتی خودش!

باخت به بلغارستان با کم تجربگی بازیکنان و مربی!

نبرد با امریکا در صوفیه

۴

بررسی مهاجمان برزیلی پرسپولیس

چهار بازیکن چند صد هزار دلار و فقط چهار گل

۷

همکاری با زنوزی؛ سخت‌ترین کار دنیا

«بردیف» برف تبریز را می‌بیند؟

۱

کاسیانو ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار دلار برای پرسپولیس آب می‌خورد

تکذیب ارسال پیش‌قرارداد؛ هنوز سر رقم توافق نشده

۷

شجاع خلیل‌زاده: سه میلیارد طلبکارم

شکایت هم کرده‌اند

۷

عصبانیت شدید دبیر از وزارت ورزش

بودجه کشتی: صفر تومان

۴

خوشامدگویی با بدهی‌های میلیاردی وزنه برداری

«هفت خوان» پیش روی سجاد

۴

منچستر یونایتد هم مثل بارسلوناست

قصه تلخ فرانکی دیونگ

۵

سخت‌ترین مبارزه کارلوس توس

راهروهای وزارت ورزش هم ساکت نیست

سرمقاله

دیروز خبری از راهروهای وزارت ورزش رسید که اصلاً خوشایند نبود، «علیرضا دبیر در مورد بودجه با محمد پولادگر معاون وزیر ورزش درگیر شد و مجادله دو طرف بالا گرفت.»

این خبر از آن دسته خبرهایی نبود که نیاز به تحقیق و پیگیری داشته باشد. از آن دسته خبرهایی که از دل جلسات محرمانه بیرون می‌آید. دبیر آنقدر عصبانی بود که صدای فریاد او را همه شنیدند و تقریباً همه کارمندان وزارت ورزش متوجه قصه شدند.

دبیر پیش از این هم، جلسه مجمع انتخاباتی کمیته ملی المپیک که بعداً به تعیین زمان مجمع انتخاباتی تبدیل شد را به حاشیه برده بود.

دبیر یکی از رؤسای کاری ورزش ما است. ساخت و سازهای او در حریم مدیریتش و شیوه مدیریت او در جغرافیای کشتی نشان داده که مدیری اهل سازش نیست و حقش را می‌گیرد اما آیا گرفتن حق باید به قیمت ضایع شدن حق دیگران یا ضایع شدن دیگران تمام شود؟ آیا ورزش ما حساب و کتاب درست و حسابی ندارد که رؤسای فدراسیون‌ها احساس کنند با داد و فریاد می‌توانند حق رشته‌شان را بگیرند و اصولاً این راه مناسبی برای داد خواهی است؟

اینکه صدای هر رئیسی بلند‌تر باشد و فریادهایش در راهروهای وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک رساتر به گوش برسد، پول بیشتری می‌گیرد، چهره ورزش ما را جذاب می‌کند یا ویران؟ دبیر یکی از رؤسای خوب ورزش ما است اما چرا می‌خواهد حقش را با فریاد بگیرد؟ آیا هیچ مدیری در ورزش کشور نیست که جسارت داشته باشد با این رئیس صحبت کند و به او بگوید داد نزن؟ کشتی ورزش اول ما است و در سال‌های اخیر پول خوبی از بودجه ورزش ما گرفته ولی توجه به کشتی نباید به تعطیل شدن همه فدراسیون‌ها منجر شود.

دبیر که در ساختمانی آبرومند بر ورزش اول کشور مدیریت می‌کند، سری به ساختمان فدراسیون‌های دیگر بزند تا ببیند ورزش ما در چه وضعیتی به سر می‌برد و جیب فدراسیون‌های دیگر تا چه اندازه خالی است.

جذب سه بازیکن توسط استقلالی‌ها

شهباززاده، صادقی و آذرباد با استقلال به توافق رسیدند

هر چقدر طی این چند وقت اخیر در استقلال خبری نبود و این بی‌خبری هواداران استقلال را آزار می‌داد اما از دیروز که جلسه معارفه سرمربی استقلال بود خبرهای خوب دیگری هم از باشگاه به گوش رسید که برای هواداران امیدبخش بود. اینطور که گفته شد تاکنون استقلال با سه بازیکن قرارداد بسته است. سجاد شهباززاده، سعید صادقی و محسن آذرباد سه بازیکنی هستند که طبق گفته یکی از نزدیکان باشگاه استقلال حضورشان در این تیم قطعی شده است. البته با توجه به اینکه سرمربی استقلال به تازگی معرفی شده است باید منتظر انتخابات این سرمربی باشیم. یعنی بزودی لیست ورودی و خروجی‌های استقلال مشخص می‌شود.

«قربان بردیف» برف تبریز را می‌بیند؟

همکاری با زنوزی؛ سخت‌ترین کار دنیا

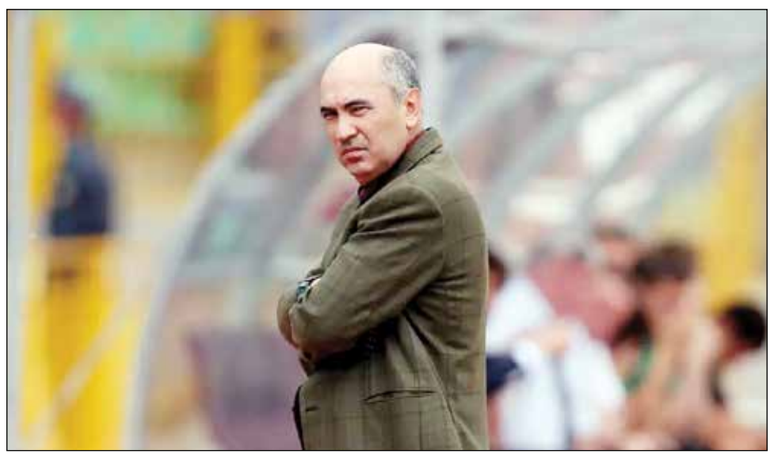

نگاه

وصال روحانی

اولین سؤالی که پس از توافق قربان بردیف برای هدایت تیم فوتبال تراکتور به ذهن می‌آید، طبعاً این پرسش است که آیا این مربی روس‌تبار، برف تبریز را به چشم خواهد دید؟

البته طبق یک سنت و براساس شرایط اقلیمی، سرما هر سال زود به استان آذربایجان می‌آید و از اواخر شهریور و اوایل مهر هوا در این استان چنان خنک می‌شود که بارها مشاهده شده اولین برف زمستانی در اواخر مهر در تبریز باریده است. فصل جدید لیگ برتر فوتبال ایران از ۲۰ مرداد امسال شروع می‌شود و در نتیجه وقتی به اواخر مهر برسیم، دست کم ۸ تا ۱۰ هفته از لیگ بیست و دوم را سپری شده خواهیم داشت.

محمدرضا زنوزی، مالک و رئیس تراکتور ید طولایی در عوض کردن مربیان این تیم دارد و در همین راستان است که طی چهار سال واندی زمامداری او در تراکتور، گذار قریب به ۱۵ تا ۱۶ سرمربی ثابت یا موقتی به جمع تراکتوری ها افتاده و دنیا به هیچ کدام از آنها وفا نکرده و شاید بهتر باشد بگوییم زنوزی تاب تحمل هیچ‌یک از آنها را نیاورده است.

آمد و رفت‌های پایان ناپذیر

اگر گفته می‌شود یکی از سخت‌ترین کارهای دنیا، کار کردن با زنوزی و تعامل با وی است، نه یک اغراق بلکه واقعیتی است که آمار مرتبط با آن را آوردیم. برای او حتی سه چهار نتیجه بد کافی است تا مثل کشورهای کوچک و عرب منطقه خاورمیانه که مربیان خود را مثل برگ خزان می‌ریزند، اقدام به تعویض سرمربی تراکتور کند و بسیار به ندرت پیش آمده که زنوزی از یکی از منتخبین خویش هم احساس رضایت کند.

ماندگارترین و پرتکرارترین سرمربی تراکتور در دوره ریاست زنوزی توئی اولیویرای پرتغالی بوده که در سه مقطع زمانی هدایت «پرشورها» را در دست گرفت و به سبب اینکه حرکات بسیار هیجان‌انگیزی داشت و لب خط دائماً در تکاپو مشغول ابراز احساسات بود و کله معلق هم می‌زد، هواداران تراکتور هم به او دل باختند اما زنوزی وی را نیز ماندنی نساخت.

زنوزی که در مقاطعی ادعای جدایی‌اش از تراکتور و واگذاری اداره آن به افراد و نهادهایی دیگر را هم مطرح کرد (اما همیشه خط دهنده و تصمیم گیرنده اصلی در پشت و جلوی صحنه بوده)، در استفاده ناقص و کوتاه مدت از نیروهای وطنی هم مهارت داشته و محمد تقوی را با اینکه خوب کار کرده بود، پس از فقط چهار ماه کنار گذاشت و به واقع با پیشنهاد «دستیار شدن» او و اینکه وی بپذیرد زیر نظر یک خارجی (جورج لیکنز بلژیکی) کار کند، پایه فرار او را گذاشت.

قطع همکاری او با «ساکت الهامی» شاید این بهانه به ظاهر موجه را داشت که این مربی توسط فدراسیون فوتبال شش ماه محروم شده بود اما الهامی جام حذفی فوتبال کشور را نصیب تراکتوری‌ها کرده بود و اگر کارهای جنجالی‌اش در لب خط در روز دیدار فینال مقابل استقلال در کار نبود، چنین فتحی اصلاً حاصل نمی‌آمد. زنوزی پس از چنان واقعه‌ای برای دومین بار در یک مقطع زمانی کمتر از یک سال به فیروز کریمی روی آورد و با اینکه تراکتور با هدایت وی باخت خفیف (صفر-۱) و نتیجه آبرومندانه‌ای را مقابل النصر عربستان در شروع مرحله حذفی لیگ قهرمانان آسیا آن هم در خاک سعودی‌ها تجربه کرد، فقط چند هفته بعد از شروع لیگ داخلی، زنوزی باز با کریمی قطع همکاری کرد.

از شجاعی جوان تا پیرمردهای خارجی

هنوز که هنوز است، هیچ کس نمی‌داند زنوزی چرا در جریان همین تغییرات و فرایندهایک بار به مسعود شجاعی هم روی آورد و با اینکه این هافبک تهاجمی سرخ‌های تبریزی سابقه هدایت هیچ تیمی را نداشت و هنوز برای تراکتور بازی می‌کرد و بالنسبه جوان بود (او فصل گذشته هم برای نساجی به میدان آمد) وی را به سمت «سرمربی- بازیکن» باشگاه منصوب کرد و به همین منوال و روال هیچ کس از دلایل دقیق برکناری شجاعی هم سر در نیاورد زیرا بازیکن اسبق او سا سونای اسپانیا آنقدرها هم در تبریز بد نتیجه نگرفته بود.

در مورد مربیان خارجی هم زنوزی همین قدر کم منطق و ظالمانه عمل کرده است. هنوز هیچ کس نفهمیده است که او چرا جان توشاک ولزی را سرپیری (در ۶۹ سالگی) به تراکتور آورد و پس از گذشت فقط چهار هفته از لیگ جوابش کرد و قطع همکاری او با لیکنز هم پیش‌تر نامش آمد، یک معما بوده است زیرا این مرد بلژیکی فقط ۱۲-۱۰ هفته مانده به پایان لیگ به تبریز آمد و تراکتوری‌ها را که فصل متوسطی را می‌گذراندند، تا حدی جمع و جور کرد. مصطفی دنیزلی ترکیه‌ای هم که با وجود سن بالایش و سال‌هایس از نخستین اقامت‌هایش در ایران (و هدایت پاس و پرسپولیس) به تبریز فراخوان شده بود، فقط چهار ماه در آنجا تاب آورد و به جمع فراری‌ها پیوست.

سایر مفقودین و جوانمرگ‌ها!

اگر به دو سه فصل اخیر هم اکتفا کنیم، می‌بینیم زنوزی کمتر مربی‌ای را برای مدتی پنج تا شش ماهه تحمل کرده و آخرین مربی خارجی ناکام این تیم ارطغرول ساغلام هموطن دنیزلی بود که فقط در ۱۱ بازی واپسین تراکتور در لیگ بیست و یکم روی نیمکت‌شان نشست و در پایان فصل عذرش خواسته شد (تا قربان بردیف بیاید) البته ساغلام هم دومین مقطع سرمربیگری‌اش را در جمع پرشورها تجربه می‌کرد که مقطع نخست چندان تفاوت زمانی‌ای با مقطع دوم نداشت. به همه این مفقودین و مرحومان (!) و جوانمرگ‌ها بیفزایید رسول خطیبی را که در دو مقطع طعم همکاری با زنوزی را چشید و چوبش را خورد، علیرضا منصوریان را که فقط در ۶ هفته نخست لیگ بیستم سکاندار قرمزهای تبریزی بود و البته زوونیمیر سولدوی کروات را که نه پیشینه‌ای عالی در مربیگری داشت و نه هرگز توانست با تراکتور همسان و جزئی از یک پیکر واحد شود و نتایج حاصله‌اش فرقی با ساغلام نداشت.

وقتی همه اینها را جمع می‌کنید، می‌فهمید که چطور قربان بردیف با وجود سابقه کار خوبش در تیم‌های روبین کازان و روستوف روسیه در برآورد شرایطی که در تراکتور انتظار او را می‌کشد، اشتباه آشکاری را داشته و پیشنهادی را پذیرفته که شاید دو ماه هم با او وفا نکند.

مصاحبه

ایمان گودرزی

سرمربی داخلی ریسک نمی‌کرد ساپینتو گزینه خوبی است

مجید نامجو مطلق: به سرمربی خارجی باید زمان داد و صبر داشت

پیشکسوت استقلال معتقد است که ساپینتو کارنامه موفقی دارد و می‌تواند در استقلال با فراهم شدن شرایط نتیجه خوبی بگیرد. نامجو آرامش کادرفنی در فصل گذشته را کلید موفقیت استقلال می‌داند و امیدوار است وریا غفوری در استقلال بماند.

ساپینتو سرمربی استقلال شد، حضور این سرمربی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

کارنامه خوبی دارد. در تیم‌های بزرگ پرتغال سابقه سرمربیگری داشته است و فقط فصل قبل نتیجه نگرفته بود اما در کل سابقه بسیار خوبی دارد و امیدوارم بتواند به استقلال کمک بسیار زیادی بکند.

از بین گزینه‌های داخلی و خارجی که مطرح شدند، به نظرتان ساپینتو گزینه مناسبی است؟

سرمربی داخلی ریسک نمی‌کرد و حاضر نبود تیم قهرمان با آن رکورد فوق‌العاده را تحویل بگیرد. چون به خوبی می‌دانست که اگر نتیجه نگیرد هجمه‌های زیادی به او وارد خواهد شد. از نظر من ساپینتو کارنامه قابل قبولی دارد و می‌تواند در استقلال موفق شود.

استقلال با سرمربی خارجی ۵۰ سال است که قهرمان لیگ نشده.

به هر حال هر چیزی یک دفعه اولی خواهد داشت. این حرف‌ها منطقی نیست که اگر خارجی‌های قبلی موفق نبوده‌اند بعدی‌ها نیز موفق نخواهند بود. فقط هر چه زودتر باید تکلیف کادرفنی مشخص شود و کار را شروع کنند و نکته مهم دیگر اینکه سرمربی خارجی برای هماهنگ شدن و عادت کردن به شرایط و فوتبال ایران نیاز به زمان دارد و باید صبر داشت.

شایعاتی در مورد جدایی آقای آجورلو و رفتن‌شان به فدراسیون فوتبال وجود دارد.

اطلاعی ندارم. از زمانی که آقای آجورلو مدیریت استقلال را بر عهده گرفتند عملکرد بسیار خوبی داشته‌اند و دیدیم که فصل گذشته کادرفنی در نهایت آرامش کار خود را انجام داد و با قهرمانی نتیجه این آرامش را گرفت. آرامش مهم‌ترین هدیه مدیریت آقای آجورلو به کادر و تیم استقلال بود.

وریا از تیم جدا خواهد شد؟

وریا با بازیکن بزرگ و انسان بسیار با شخصیتی است. امیدوارم که فصل بعد هم در استقلال بماند و این شایعات صحت نداشته باشد.

درصدها سخن نمی‌گویند

بعد از مصاحبه‌ای که یحیی گل‌محمدی انجام داد و گفت: «نیمی از لیست او جذب شده‌اند» شرایط عجیبی در فضای رسانه‌ای و مجازی کشور شکل گرفت. فضایی که کنترل آن ممکن است انرژی زیادی از مدیران باشگاه بگیرد. البته از همین حالا می‌توان حدس زد این جمله یحیی تا آخر فصل، مثل یک چکش بر سر مدیران باشگاه کوبیده شود هر چند آنها عملکرد قابل تحسینی در بازار نقل و انتقالات داشتند و قبل از اینکه سایر باشگاه‌ها از دوران استراحت لیگ قبلی بیرون بیایند، چند خرید استثنایی را به لیست تیم گره زدند. علیرضا بیرانوند، مرتضی پورعلی‌گنجی، گئورگ گولسیانی، سروش رفیعی، دانیال اسماعیلی‌فر، محمد مهدی احمدی و... بازیکنانی بودند که قبل از گرم شدن بازار نقل و انتقالات، وارد دفتر باشگاه پرسپولیس شدند و پای برگه قرارداد را امضا کردند. حال یحیی می‌گوید جذب این ستاره‌ها، تنها نیمی از خواسته‌هایش بوده و هنوز نیمی دیگر از لیست او باقی مانده است! از سوی دیگر، محمد محمدی و رضا درویش در مصاحبه‌هایی عنوان کرده‌اند ۷۰ درصد از بازیکنان مدنظر کادرفنی جذب تیم شده‌اند و هواداران هم امیدوارند با این همه ستاره و البته حفظ بازیکنانی مثل سرلک، امیری، ترابی، نعمتی، عبدی و...، پرسپولیس بتواند به راحتی آب خوردن و با کسب بالاترین امتیاز ممکن در کمترین زمان، قهرمانی را از آن خود کند. به هر حال، بازی با «درصدها» در بازار نقل و انتقالات، اصلاً کار درست و معقولی نیست چون یحیی به صورت طبیعی یک لیست با تعداد مشخصی از بازیکنان به مدیریت باشگاه ارائه کرده و باشگاه باید همان لیست را فراهم کند. تا به حال هم عملکرد باشگاه عالی بوده ولی انگار یحیی رضایتی ندارد و نیمه دوم لیست خود را طلب می‌کند بدون اشاره به این موضوع که «درصدها سخن نمی‌گویند».

نیمکت‌های لیگ دوباره به دست خارجی‌ها می‌افتد؟

گزارش

آرمن ساروخانیان

ساپینتو، بردیف و موراییس. سه نیمکت مهم لیگ برتر به مربیان خارجی سپرده شد. اگر استقلال بعد از جدایی ناگهانی مجیدی مجبور شد سراغ پینتو برود، اولویت تراکتور و سپاهان مربی خارجی بود. شاید اگر گل محمدی قرارداد بلندمدتی نداشت، ممکن بود پرسپولیس هم بخواهد از یک گزینه خارجی روی نیمکت استفاده کند.

مربیانی که به ایران آمده‌اند در مقیاس بین‌المللی چندان مطرح نیستند یا از دوران اوج شان فاصله دارند. پرتغال در این سال‌ها مربیان مطرح زیادی را به فوتبال دنیا معرفی کرده، ولی پینتو را بیشتر با دوران بازیگری‌اش می‌شناسند. موفقیت بردیف در لیگ درجه دوم روسیه به سال‌ها قبل برمی‌گردد و موراییس هم بابت دستیاری مورینیو شهرت دارد. با این حال انتظار می‌رود که همین مربیان بتوانند تیم‌های‌شان را متحول کنند یا حداقل چند قدم جلوتر ببرند. مربیانی مثل استراماچونی و برانکو هم در ردیف مربیان تراز اول اروپایی قرار ندارند، ولی در فوتبال ایران نقش مؤثری داشتند و هنوز آثار کارشان از بین نرفته.

بازگشت دوباره به سمت مربیان خارجی را می‌توان نشانه‌ای از نارضایتی باشگاه‌ها و هواداران از عملکرد مربیان ایرانی دانست. فصل گذشته باشگاه‌ها به دلیل مشکلات مالی اکثراً به سمت مربیان ایرانی رفتند و ساغلام تنها مربی خارجی لیگ برتر بود. در این جمع تعدادی از مربیان جوان هم به چرخه مربیان اضافه شدند ولی نشانه‌های تحول فنی به قدری نبود که مدیران فوتبال را از رفتن به بازارهای بین‌المللی منع کند. از طرف دیگر قیمت‌های مربیان ایرانی به قدری بالا رفت که تفاوت زیادی با نمونه‌های خارجی ندارد و گاهی رفتارهای آنها هم با استاندارد‌های حرفه‌ای فاصله زیادی داشت.

حضور این سه مربی خارجی و تقابل آنها با گل‌محمدی، قلعه‌نویی و نکونام می‌تواند رقابت جذابی برای لیگ برتر بسازد. مربیان داخلی اگر می‌خواهند فضای کارشان در آینده محدود‌تر نشود باید به فکر ارتقای کیفیت کارشان باشند، وگرنه تعداد مربیان خارجی در فوتبال ایران بیشتر خواهد شد.

سنگال هم با ما بازی نمی‌کند

طی روزهای گذشته این شایعه مطرح شده بود که تیم ملی سنگال شهریور ماه به مصاف ایران خواهد رفت ولی از قرار معلوم باید رویارویی با این تیم را هم فراموش کنیم چون چنین اتفاقی رخ نخواهد داد.

مدیران فدراسیون خیلی تلاش کردند تا با این حریف خوب آفریقایی بازی کنیم و خود در اگان اسکوچیچ هم راضی به انجام چنین کاری بود اما سنگال چند روز قبل برنامه بازی‌های خود در شهریور ماه را به طور کامل پر کرد و حالا دیگر فرصتی برای بازی با ایران ندارد. خود آنها هم دل‌شان می‌خواست به مصاف شاگردان دراگان اسکوچیچ بروند ولی عدم اقدام بموقع موجب از دست رفتن چنین حریف خوبی برای تیم ملی کشورمان شد. البته این طور که می‌گویند، تیم ملی فوتبال کشورمان در آخرین ماه تابستان حتماً با یک حریف آفریقایی بازی خواهد کرد. با توجه به پربودن تقویم رقبای اروپایی ما چاره‌ای نداریم جز اینکه با حریفانی از امریکای جنوبی و آفریقا تا قبل از آغاز جام جهانی بازی کنیم.